

سیر اجمالی تاثیر تکبر بر ارتباط انسان با خدا در قرآن

سید ظهیر عباس

چکیده

تکبر یکی از ویژگی‌های منفی انسان است که در قرآن به کرات مورد نکوهش قرار گرفته و به عنوان مانعی جدی در مسیر ارتباط معنوی با خداوند معرفی شده است. این پژوهش به بررسی تأثیر تکبر بر ارتباط انسان با خداوند بر اساس آیات قرآنی می‌پردازد. قرآن مجید تکبر را به عنوان صفتی معرفی می‌کند که نه تنها انسان را از یاد و ذکر خداوند غافل می‌سازد، بلکه او را به سوی انکار آیات الهی و در نتیجه، دوری از رحمت و هدایت الهی سوق می‌دهد. آیات متعددی از قرآن کریم به پیامدهای منفی تکبر اشاره دارند؛ از جمله عذاب الهی، بسته شدن درهای رحمت و عدم ورود به بهشت. این پژوهش با تحلیل این آیات، نشان می‌دهد که تکبر باعث می‌شود انسان خود را برتر از دیگران و حتی مستقل از نیاز به خداوند بداند، که این خود منجر به فقدان فروتنی و انکار قدرت الهی می‌شود. در نتیجه، تکبر می‌تواند به جدایی و فاصله از خداوند منجر شود، که پیامدهای زیانباری برای حیات دنیوی و اخروی انسان به دنبال دارد. این مطالعه به ضرورت ترویج تواضع و فروتنی به عنوان راهکاری برای تقویت ارتباط معنوی با خداوند تأکید می‌ورزد.

کلید واژه‌ها: تکبر، ارتباط با خدا، خودبزرگ بینی، فروتنی، هدایت الهی



مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که او را از سایر موجودات متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگی‌ها، توانایی برقراری ارتباط با خالق خویش است. این ارتباط، که در ادیان توحیدی به ویژه در اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، می‌تواند انسان را به درجات عالی از معرفت و تقرب به خداوند برساند. با این حال، صفاتی چون تکبر و خودبینی می‌توانند مانعی جدی بر سر راه این ارتباط باشند.

تکبر به معنای خود بزرگ بینی و برتری جویی نسبت به دیگران، یکی از رذایل اخلاقی است که در قرآن کریم به شدت نکوهش شده است. این صفت ناپسند نه تنها به روابط اجتماعی انسان آسیب می‌زند، بلکه باعث می‌شود فرد از رحمت و هدایت الهی محروم گردد. قرآن کریم در آیات متعددی به تبیین این مسئله پرداخته و نمونه‌های تاریخی متعددی را ذکر کرده است که نشان‌دهنده عواقب وخیم تکبر و خودبینی هستند.

از آنجا که قرآن به عنوان کتاب آسمانی و هدایتگر بشر، به همه جوانب زندگی انسان پرداخته است، بررسی تأثیر تکبر بر ارتباط انسان با خداوند می‌تواند به ما کمک کند تا بهتر درک کنیم که چگونه می‌توانیم از این صفت ناپسند دوری کنیم و به سوی تقرب الهی گام برداریم. تکبر باعث می‌شود که انسان خود را از دیگران برتر ببیند و در نتیجه، به فرمان‌های الهی بی‌اعتنا شود و از درک حقیقت محروم گردد. این در حالی است که فروتنی و تواضع، راه را برای پذیرش حق و نزدیکی به خداوند هموار می‌سازد.

بنابراین، در این مقاله بنده تلاش کرده است تا با استناد به آیات قرآن کریم، به بررسی عمق و تأثیر تکبر بر ارتباط انسان با خداوند بپردازد و نشان دهد که چگونه این صفت ناپسند می‌تواند راهی به سوی دوری از خدا و هلاکت ابدی باشد. همچنین، به راهکارهایی که قرآن برای مقابله با تکبر و رسیدن به تواضع و فروتنی پیشنهاد می‌دهد، خواهیم پرداخت تا بتوانیم از نور هدایت الهی بهره‌مند شویم و به سوی سعادت ابدی گام برداریم.

معنای واژه تکبر از فرهنگ لغات زبان عربی

واژه "تکبر" در زبان عربی از ریشه "کبر" (ک-ب-ر) مشتق شده است. در فرهنگ لغات زبان عربی، این واژه به معنای بزرگ‌پنداری و خودبینی بیش از حد آمده است. "تکبر" به حالتی اطلاق می‌شود که فرد خود را بزرگ‌تر و برتر از دیگران می‌پندارد و در نتیجه نسبت به دیگران نوعی غرور و خودبرتربینی دارد. در منابع لغوی عربی، "تکبر" به صورت زیر تعریف شده است:





۱. المعجم الوسيط:

- **تكبر:** تعاضم واستعلاء على الغير، ورفض قبول الحق.
- به معنای بزرگ‌پنداری، استعلاء و سربلندی بر دیگران، و نپذیرفتن حق و حقیقت است.

۲. لسان العرب:

- **تكبر:** التَّجَبُّر، والاستعلاء، والتَّعَاطُم.
- به معنای جباریت، استعلاء و تعاضم است.

۳. القاموس المحيط:

- **تكبر:** الإعجاب بالنفس، واحتقار الناس.
 - به معنای خودبینی و تحقیر مردم است.
- بنابراین، ”تکبر“ در زبان عربی به مجموعه‌ای از رفتارها و نگرش‌ها اشاره دارد که شامل خودبینی، خودبرتربینی، نپذیرفتن حقایق، و استعلاء بر دیگران است. این ویژگی در قرآن به عنوان یکی از موانع بزرگ در راه ارتباط با خداوند و دریافت هدایت الهی مورد نکوهش قرار گرفته است.

معنای واژه ”ارتباط“ از فرهنگ لغات زبان عربی

واژه ”ارتباط“ در زبان عربی از ریشه ”ربط“ (ر-ب-ط) مشتق شده است. این واژه به معنای پیوند، اتصال و ایجاد رابطه میان دو یا چند چیز یا فرد است. در منابع لغوی عربی، ”ارتباط“ به صورت زیر تعریف شده است:

۱. المعجم الوسيط:

- **ارتباط:** اتِّصَال، عَلاَقَة، وتواصل.
- به معنای اتصال، رابطه و ارتباط برقرار کردن است.

۲. لسان العرب:

- **ربط:** وصل الشيء بشيء آخر، وشدّه.
- به معنای وصل کردن چیزی به چیز دیگر و بستن آن است.

۳. القاموس المحيط:

- **ارتباط:** اقتران، وصلة، وعلاقة.
- به معنای اقتران، پیوند و رابطه است.





بنابراین، "ارتباط" در زبان عربی به معنای پیوند و اتصال میان دو یا چند عنصر است، که می‌تواند شامل روابط انسانی، مفاهیم یا حتی ارتباطات معنوی باشد. این واژه در مباحث قرآنی و دینی به ویژه در مورد ارتباط انسان با خداوند به کار می‌رود و به معنای پیوند معنوی و روحانی میان بنده و پروردگار است.

تکبر و آثار آن در قرآن

تکبر، به معنای خودبزرگ‌بینی و خودبرتربینی، یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه هدایت و ارتباط با خداوند است. قرآن کریم بارها به این صفت ناپسند اشاره کرده و پیامدهای وخیم آن را برشمرده است. در این بخش به بررسی تکبر و آثار آن در قرآن کریم می‌پردازیم.

تکبر باعث می‌شود که انسان از دیدن و درک نشانه‌های الهی محروم شود و قلب و ذهنش از پذیرش حقایق ناتوان گردد. افرادی که به تکبر دچار هستند، حتی اگر راه هدایت را ببینند، آن را انتخاب نمی‌کنند و به جای آن راه گمراهی را برمی‌گزینند. این افراد به دلیل تکبر، آیات الهی را تکذیب می‌کنند و از هدایت و رحمت الهی غافل می‌مانند. در نمونه‌های تاریخی قرآن، از شیطان و فرعون به عنوان بارزترین مثال‌های تکبر یاد شده که به دلیل خودبینی و برتری‌جویی، از رحمت الهی محروم و به هلاکت رسیدند. بنابراین، تکبر نه تنها بر رابطه انسان با خداوند تأثیر منفی دارد، بلکه روابط اجتماعی او را نیز مختل می‌کند و به فساد و نزاع منجر می‌شود.

کبر به عنوان مانعی بر سر راه هدایت

تکبر یکی از موانع اساسی در راه هدایت و رشد معنوی انسان است. قرآن کریم در آیات متعدد به این موضوع پرداخته و تأثیرات مخرب آن را بر روی انسان‌ها بیان کرده است. سوره اعراف، آیه ۱۴۶ یکی از مهم‌ترین آیاتی است که به روشنی این تأثیرات را توضیح می‌دهد. در این آیه، خداوند می‌فرماید:

«سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ.»

به زودی کسانی را که در زمین بناحق تکبر می‌ورزند از آیاتم رویگردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند بدان ایمان نیاورند و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشته و غفلت ورزیدند.^۱

۱- سوره اعراف، آیه ۱۴۶





این آیه نشان دهنده تأثیر مخرب تکبر بر روی هدایت انسان است و به چند نکته مهم اشاره می‌کند:

۱. **محرومیت از آیات الهی:** خداوند تصریح می‌کند که افراد متکبر از دیدن و درک آیات الهی محروم می‌شوند. این محرومیت نتیجه مستقیم تکبر آنان است که باعث می‌شود قلب و ذهن‌شان بسته و از پذیرش حقایق الهی ناتوان گردد. تکبر باعث می‌شود که انسان نتواند نشانه‌ها و آیات الهی را ببیند و حتی اگر هم ببیند، به آن‌ها ایمان نیاورد.

۲. **عدم انتخاب راه هدایت:** افراد متکبر، حتی اگر راه هدایت را بشناسند، آن را انتخاب نمی‌کنند. تکبر باعث می‌شود که این افراد به راه درست و صحیح که به سوی رشد و تعالی معنوی منتهی می‌شود، بی‌اعتنایی کنند. آنان به جای پذیرش راه حق، راه گمراهی و ضلالت را برمی‌گزینند.

۳. **تکذیب و غفلت:** تکبر باعث می‌شود که انسان‌ها به تکذیب آیات الهی پردازند و از آن‌ها غافل شوند. این غفلت و تکذیب، نتیجه مستقیم خودبینی و برتری‌جویی است که مانع پذیرش حقایق الهی می‌شود. افراد متکبر، به جای توجه به آیات و نشانه‌های الهی، از آن‌ها دوری می‌کنند و در نتیجه از هدایت و رحمت الهی محروم می‌گردند.

مهر زدن بر دل‌های متکبران

تکبر یکی از بزرگ‌ترین موانع در راه هدایت و ارتباط با خداوند است. قرآن کریم به روشنی بیان می‌کند که تکبر می‌تواند دل‌های انسان‌ها را سخت و بسته کند، به طوری که دیگر توانایی درک و پذیرش حقایق الهی را نداشته باشند. این مفهوم در سوره غافر، آیه ۳۵ به خوبی بیان شده است:

«الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكِ يَظُنُّ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٌ».

کسانی که در باره آیات خدا بدون حجتی که برای آنان آمده باشد مجادله می‌کنند [این ستیزه] در نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده اند [مایه] عداوت بزرگی است این گونه خدا بر دل هر متکبر و زورگویی مهر می‌نهد.^۱

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که خداوند بر دل‌های متکبران مهر می‌زند و آنان را از فهم و درک حقایق الهی محروم می‌سازد.





مفهوم مهر زدن بر دل‌ها:

مهر زدن بر دل‌ها به معنای مسدود شدن قلب‌ها و ناتوانی در درک و پذیرش حقیقت است. این حالت به واسطه تکبر و خودبزرگ بینی ایجاد می‌شود. وقتی انسان دچار تکبر می‌شود، قلبش از پذیرش حقایق الهی و پیام‌های هدایت بخش خداوند ناتوان می‌گردد. این امر به تدریج باعث می‌شود که انسان به طور کامل از درک و فهم آیات الهی محروم شود.

پیامدهای مهر زدن بر دل‌ها:

۱. **ناتوانی در درک حقایق الهی:** افراد متکبر به دلیل بسته شدن قلب‌هایشان، نمی‌توانند آیات و نشانه‌های الهی را درک کنند. این ناتوانی باعث می‌شود که نتوانند به راه هدایت قدم بگذارند و از رحمت الهی بهره‌مند شوند. این وضعیت نه تنها بر رشد معنوی و روحی فرد تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه او را از بهره‌مندی از نعمت‌های الهی نیز محروم می‌سازد. در نتیجه، افراد متکبر در زندگی دنیوی نیز دچار سردرگمی و بی‌هدفی می‌شوند.

تکبر مانع از توبه و بازگشت به سوی خداوند می‌شود. انسان‌های متکبر به دلیل خودبزرگ بینی، از اعتراف به اشتباهات و گناهان خود پرهیز می‌کنند و در نتیجه نمی‌توانند مسیر اصلاح و توبه را پیش بگیرند. این امر باعث می‌شود که همچنان در مسیر گمراهی باقی بمانند و از رحمت و مغفرت الهی بی‌بهره شوند. علاوه بر این، تکبر موجب می‌شود که انسان نتواند از علم و دانش دیگران بهره‌مند شود. افراد متکبر به دلیل خودبرتربینی، خود را بی‌نیاز از مشورت و یادگیری از دیگران می‌دانند و این امر باعث می‌شود که از پیشرفت و توسعه در زندگی محروم شوند. قرآن کریم با تأکید بر ارزش علم و دانش، انسان‌ها را به فروتنی و استفاده از تجربیات و دانسته‌های دیگران دعوت می‌کند. «وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصُصْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ». و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه‌بانگ خران است.^۱ در نتیجه، تکبر به عنوان یک صفت ناپسند، مانعی بزرگ بر سر راه درک حقایق الهی و بهره‌مندی از هدایت و رحمت الهی است زیرا انسان ارتباط آنچنانی که با خداوند باید برقرار کند نمی‌تواند برقرار کند. تنها با ترک تکبر و تقویت تواضع و فروتنی می‌توان به سوی رشد معنوی و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی گام برداشت.

۲. **دور شدن از هدایت الهی:** تکبر باعث می‌شود که انسان به جای پذیرش هدایت الهی، به راه‌های گمراهی و ضلالت کشیده شود. افرادی که دل‌هایشان به دلیل تکبر بسته شده، حتی اگر راه هدایت را ببینند،





آن را انتخاب نمی‌کنند و به جای آن به راه‌های نادرست می‌روند. این امر به دلیل عدم توانایی آنان در تشخیص حق از باطل و فقدان تواضع و فروتنی در برابر آیات الهی است.

افراد متکبر به دلیل خودبزرگ بینی و خودمحوری، تنها به دیدگاه‌ها و نظرات خود اتکا می‌کنند و نصایح و راهنمایی‌های الهی و پیامبران را نادیده می‌گیرند. این عدم پذیرش هدایت الهی موجب می‌شود که به تصمیمات نادرست و گمراه‌کننده روی آورند و از راه راست منحرف شوند. نتیجه آن، زندگی آنان مملو از اشتباهات و لغزش‌ها می‌شود و به تدریج از رحمت و مغفرت الهی فاصله می‌گیرند.

غیر از این، تکبر باعث می‌شود که انسان از نعمت‌هایی همچون علم و حکمت الهی محروم شود. قرآن کریم بارها بر اهمیت علم و دانش تأکید کرده و انسان‌ها را به طلب علم و یادگیری دعوت نموده است. اما افراد متکبر، به دلیل عدم پذیرش نصایح و راهنمایی‌های دیگران، از این نعمت بزرگ بی‌بهره می‌مانند که نتیجه‌اش از هدایت الهی دور می‌شوند.

یکی دیگر از پیامدهای دوری از هدایت الهی به واسطه تکبر، ناتوانی در بهره‌مندی از جامعه و روابط اجتماعی سالم است. افراد متکبر به دلیل نگرش تحقیرآمیز به دیگران، قادر به برقراری روابط اجتماعی مؤثر و سازنده نیستند و در نتیجه از حمایت و همکاری جامعه محروم می‌شوند. این انزوای اجتماعی نیز به نوبه خود به گمراهی و ضلالت بیشتر آنان می‌انجامد. در نتیجه، تکبر به عنوان یک مانع بزرگ بر سر راه هدایت الهی، انسان را از مسیر درست دور کرده و به سوی گمراهی و ضلالت سوق می‌دهد. لذا به این خاطر بیان کردیم که تنها با ترک تکبر و تقویت تواضع و فروتنی می‌توان به سوی هدایت و رحمت الهی گام برداشت و از زندگی پربار و معنوی بهره‌مند شد.

۳. تکذیب آیات الهی: انسان‌های متکبر به دلیل عدم درک آیات الهی، به تکذیب و انکار آن‌ها می‌پردازند. این انکار و تکذیب، نتیجه مستقیم خودبزرگ بینی و برتری جویی آنان است که باعث می‌شود نتوانند حقایق را بپذیرند. این افراد به دلیل خودبرتربینی و احساس بی‌نیازی از هدایت الهی، نمی‌توانند عظمت و حکمت آیات الهی را درک کنند و در نتیجه، آن‌ها را تکذیب و انکار می‌کنند.

تکذیب آیات الهی به واسطه تکبر، باعث می‌شود که فرد نتواند از نور هدایت و رحمت الهی بهره‌مند شود. این امر نه تنها بر روی رشد معنوی فرد تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه او را از بهره‌مندی از نعمت‌های الهی در زندگی دنیوی نیز محروم می‌سازد. افراد متکبر با انکار و تکذیب آیات الهی، به تدریج از رحمت و مغفرت الهی فاصله می‌گیرند و در مسیر گمراهی و ضلالت پیش می‌روند.

قرآن کریم بارها به سرنوشت کسانی که آیات الهی را تکذیب کرده‌اند، اشاره می‌کند و به روشنی بیان





می‌کند که این افراد به دلیل تکبر و استکبارشان، به عذاب الهی گرفتار شده‌اند. از جمله این نمونه‌ها، داستان قوم عاد و ثمود است که به دلیل تکذیب پیامبران الهی و عدم پذیرش هدایت، به هلاکت رسیدند. «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ»؛ اما عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟ آیا نمی‌دانستند که خداوندی که آنان را آفریده، از آنان نیرومندتر است؟ و آنان پیوسته به انکار آیات ما می‌پرداختند^۱.

تکذیب آیات الهی ناشی از تکبر، نه تنها بر رابطه فرد با خداوند تأثیر منفی دارد، بلکه بر روابط اجتماعی و انسانی نیز تأثیرگذار است. افراد متکبر به دلیل خودبزرگ‌بینی، نمی‌توانند با دیگران به طور صادقانه و فروتنانه ارتباط برقرار کنند و در نتیجه، از حمایت و محبت جامعه محروم می‌شوند. در نتیجه، تکذیب آیات الهی به واسطه تکبر، پیامدی وخیم و نابودکننده است که انسان را از هدایت و رحمت الهی محروم می‌سازد.

نمونه‌های قرآنی از مهر زدن بر دل‌ها

قرآن کریم نمونه‌های تاریخی متعددی از افراد و اقوامی که به دلیل تکبر و خودبینی دچار مهر خوردن بر دل‌هایشان شده‌اند، بیان کرده است. این نمونه‌ها نشان‌دهنده تأثیرات مخرب تکبر بر قلب و ذهن انسان و دوری از هدایت الهی است. در ادامه به توضیح برخی از این نمونه‌ها می‌پردازیم:

فرعون و قوم او:

یکی از بارزترین نمونه‌ها در قرآن، داستان فرعون و قوم اوست. فرعون به دلیل تکبر و استکبار شدید خود، ادعای خدایی کرد و خود را برتر از دیگران دانست. در سوره نازعات، آیات ۲۴-۲۳ آمده است: «فَحَشَرَ فَنَادَى، فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»؛ فرعون مردم را جمع کرد و ندا داد و گفت: من پروردگار برتر شما هستم.^۲ این ادعا و خودبزرگ‌بینی فرعون نشان‌دهنده اوج تکبر او بود.

به دلیل این تکبر و عدم پذیرش هدایت الهی، قلب فرعون و قومش مهر خورد و نتوانستند حقایق الهی را درک کنند. در سوره قصص، آیه ۴۲ آمده است: «وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَبَوَّأَ لِقِيَامِهِمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ»؛ و در این دنیا لعنت بر آنان نازل کردیم و در روز قیامت نیز از منفوران خواهند بود.^۳ این آیه نشان‌دهنده سرنوشت ناگوار فرعون و قوم او به دلیل تکبرشان است.

۱- سوره فصلت، آیه ۱۵

۲- سوره نازعات، آیات ۲۴-۲۳

۳- سوره قصص، آیه ۴۲



قوم عاد:

قوم عاد نیز به دلیل تکبر و خودبینی، هدایت الهی را نپذیرفتند و به پیامبر خود حضرت هود علیه السلام، بی‌اعتنایی کردند. آنان به قدرت و ثروت خود می‌بالیدند و خود را برتر از دیگران می‌دانستند. در سوره فصلت، آیه ۱۵ آمده است: «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً»؛ اما عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟ این تکبر باعث شد که دل‌هایشان بسته شود و از پذیرش هدایت الهی محروم گردند. در نهایت، آنان به عذاب الهی گرفتار شدند و نابود شدند.

قوم ثمود:

قوم ثمود نیز به دلیل تکبر و خودبزرگ‌بینی، پیامبر خود حضرت صالح علیه السلام را تکذیب کردند و آیات الهی را نپذیرفتند. آنان به جای پذیرش هدایت الهی، به اعمال نادرست خود ادامه دادند. در سوره شمس، آیات ۱۳-۱۴ آمده است: «فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا»؛ آنان حضرت صالح را تکذیب کردند و ناقه را کشتند. پس پروردگارشان به خاطر گناهشان آنان را در هم کوبید و هموار ساخت. این آیات نشان‌دهنده پیامدهای تکبر و انکار آیات الهی توسط قوم ثمود است.

این نمونه‌های قرآنی به وضوح نشان می‌دهند که تکبر و خودبزرگ‌بینی می‌تواند باعث مهر خوردن بر دل‌ها و دوری از هدایت الهی شود. افرادی که دچار این صفات ناپسند می‌شوند، نه تنها از فهم و درک آیات الهی محروم می‌گردند، بلکه در نهایت به سرنوشت ناگواری دچار می‌شوند. برای جلوگیری از این پیامدها، انسان‌ها باید با تواضع و فروتنی به سوی هدایت الهی گام بردارند و از تکبر و خودبینی دوری کنند. تنها با این رویکرد است که می‌توان به رشد معنوی و بهره‌مندی از رحمت الهی دست یافت.

نمونه‌های تاریخی تکبر در قرآن

قرآن کریم نمونه‌های زیادی از افرادی که به واسطه تکبر از هدایت الهی محروم شدند، بیان کرده است. این نمونه‌ها به وضوح نشان می‌دهند که چگونه تکبر و خودبزرگ‌بینی می‌تواند باعث سرپیچی از فرمان خداوند و در نهایت هلاکت و نابودی شود. در اینجا به برخی از بارزترین این نمونه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- شیطان:

یکی از بارزترین نمونه‌های تکبر در قرآن، شیطان است. هنگامی که خداوند به ملائکه امر کرد که به آدم سجده کنند، همه اطاعت کردند جز شیطان که به دلیل تکبر از فرمان خداوند سرپیچی کرد. در سوره بقره، آیه ۳۴ آمده است: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ

۱- سوره فصلت، آیه ۱۵



الْكَافِرِينَ»؛ و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، پس سجده کردند جز ابلیس که امتناع ورزید و تکبر کرد و از کافران شد.^۱ این سرپیچی به دلیل تکبر و احساس برتری شیطان نسبت به آدم بود که منجر به رانده شدن او از درگاه الهی شد.

۲- فرعون:

فرعون به عنوان نماد دیگری از تکبر در قرآن معرفی شده است. او به دلیل خودبینی و تکبر خود، هدایت الهی را نپذیرفت و به مخالفت با پیامبران الهی پرداخت. فرعون ادعای خدایی کرد و خود را برتر از همه دانست. در سوره نازعات، آیه ۲۴، فرعون می‌گوید: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»؛ گفت: من پروردگار برتر شما هستم.^۲ این تکبر و خودبینی فرعون باعث شد که دلش بسته شود و از فهم و درک حقایق الهی محروم گردد. در نهایت، او و سپاهش در دریای سرخ غرق شدند و به هلاکت رسیدند. در سوره قصص، آیه ۴۰ آمده است: «فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ»؛ «پس او و سپاهش را گرفتیم و به دریا انداختیم، پس بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه بود».^۳

۳- قارون:

قارون نیز از نمونه‌های برجسته تکبر در قرآن است. او به دلیل ثروت زیادش، دچار غرور و خودبینی شد و خود را بی‌نیاز از خداوند دانست. «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ»؛ قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می‌آمد آنگاه که قوم وی بدو گفتند شادی مکن که خدا شادی کنندگان را دوست نمی‌دارد.^۴ او به دلیل تکبر و استکبارش، از پذیرش هدایت الهی سرباز زد و در نهایت خداوند او و گنجینه‌هایش را در زمین فرو برد. در سوره قصص، آیه ۸۱ آمده است: «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ»؛ پس ما او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم.^۵

۴- نمرود:

نمرود، پادشاه بابل، یکی دیگر از نمونه‌های تکبر در قرآن است. او خود را خدا می‌دانست و به دلیل تکبر و استکبارش، هدایت الهی و دعوت حضرت ابراهیم (ع) را نپذیرفت. نمرود با تکبر و خودبزرگ‌بینی،

۱- سوره بقره، آیه ۳۴

۲- سوره نازعات، آیه ۲۴

۳- سوره قصص، آیه ۴۰

۴- سوره قصص، آیه ۷۶

۵- سوره قصص، آیه ۸۱



به مخالفت با حضرت ابراهیم (ع) پرداخت و حتی ادعا کرد که می‌تواند زنده کند و بمیراند. خداوند او را با کوچک‌ترین موجودات، یعنی پشه، نابود کرد. این داستان در تفاسیر قرآن آمده است و نشان‌دهنده سرانجام تلخ تکبر و استکبار است.

داستان نمرود و حضرت ابراهیم (ع) به طور مستقیم در قرآن به تفصیل نیامده است، اما به این واقعه در آیات مختلف اشاره شده و موضوع تکبر و مخالفت با پیامبران الهی مورد بحث قرار گرفته است. برای مثال یکی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛ آیا ندیدی کسی را که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه کرد، چون خدا او را پادشاهی داده بود؟ هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگار من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند، او گفت: من زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از مشرق می‌آورد، تو آن را از مغرب بیاور. پس آن کسی که کافر شده بود، بهت زده ماند و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند.^۱ اینگونه نمونه‌ها به وضوح نشان می‌دهند که چگونه تکبر و خودبزرگ‌بینی می‌تواند باعث انحراف از هدایت الهی و در نهایت هلاکت و نابودی شود. قرآن کریم با بیان این داستان‌ها، انسان‌ها را به تواضع و فروتنی دعوت می‌کند و از تکبر و استکبار برحذر می‌دارد.

۵- قوم نوح:

قوم نوح از دیگر نمونه‌های بارز تکبر در قرآن است. آنان به دلیل خودبزرگ‌بینی و عدم پذیرش دعوت حضرت نوح (ع) به یکتاپرستی، به تمسخر و انکار او پرداختند. «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ إِلَّا اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّى الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ»؛ اشراف قوم او که کافر شده بودند گفتند: ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم و نمی‌بینیم کسی جز افراد پست و بی‌ارزش در میان ما از تو پیروی کرده باشند و ما بر شما هیچ برتری نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگو می‌دانیم.^۲ این تکبر و انکار باعث شد که آنان از هدایت الهی محروم شوند و در نهایت به عذاب طوفان گرفتار شدند.

۱- سوره البقره، آیه ۲۵۸

۲- سوره هود، آیه ۲۷



۶- قوم لوط:

قوم لوط نیز به دلیل اعمال ناشایست و انکار دعوت حضرت لوط (ع)، دچار عذاب الهی شدند. آنان به جای پذیرش هدایت الهی، به فساد و انحراف اخلاقی روی آوردند و پیامبر خدا را تمسخر کردند. «قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصْلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتُكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»؛ گفتند: ای لوط، ما فرستادگان پروردگار تو هستیم. آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت. پس در دل شب با خانواده ات بیرون برو و هیچ یک از شما پشت سر خود ننگرد مگر همسرت، زیرا آنچه به آنان می رسد، به او نیز خواهد رسید. موعد آنان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟^۱ این انکار و تمسخر باعث شد که قوم لوط به عذاب الهی دچار شوند و سرزمینشان زیر و رو شود.

۷- ابولهب و همسرش:

ابولهب، عموی پیامبر اسلام (ص)، نیز به دلیل تکبر و دشمنی با پیامبر، از هدایت الهی محروم شد. او و همسرش همواره به آزار و اذیت پیامبر پرداختند و پیام او را تکذیب کردند. در سوره مسد، آیات ۱-۵ آمده است: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ * سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ * وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ * فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ»؛ بریده باد دو دست ابولهب و نابود باد! نه دارایی اش به کارش آمد و نه آنچه به دست آورده بود. به زودی در آتشی شعله ور خواهد سوخت. و همسرش که هیزم کش است و در گردنش ریسمانی از لیف خرماست. این آیات نشان دهنده عاقبت تکبر و دشمنی ابولهب و همسرش با پیامبر است.

۸- قوم سبأ:

قوم سبأ نیز به دلیل تکبر و رویگردانی از نعمت های الهی، دچار عذاب الهی شدند. آنان به دلیل برخورداری از نعمت های فراوان، دچار غرور و خودبینی شدند و از شکرگزاری و اطاعت خداوند غفلت کردند. در سوره سبأ، آیه ۱۵ آمده است: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن زَرْقٍ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ»؛ به راستی که برای سبأ در محل سکونتشان نشانه ای بود: دو باغ از راست و چپ. از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جای آورید. سرزمینی پاکیزه و پروردگاری آمرزنده. اما آنان از این نعمت ها استفاده نادرست کردند و شکرگزاری نکردند، بنابراین خداوند سرزمینشان را به ویرانی کشاند.



این نمونه‌های قرآنی به وضوح نشان می‌دهند که تکبر و خود بزرگ بینی می‌تواند پیامدهای وخیمی داشته باشد و انسان‌ها را از هدایت الهی محروم سازد. برای جلوگیری از این پیامدها، باید با تواضع و فروتنی به سوی هدایت الهی گام برداشت و از تکبر و خودبینی دوری کرد. تنها با این رویکرد است که می‌توان به رشد معنوی و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی دست یافت.

۹- قوم عاد:

قوم عاد، که به پیامبری حضرت هود (ع) فرستاده شد، به دلیل تکبر و خود بزرگ بینی خود، از هدایت الهی روی گردانده بودند. آنان به قدرت جسمانی و ثروت خود می‌بالیدند و ادعا می‌کردند که کسی نمی‌تواند بر آنان غلبه کند. «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ»؛ اما عاد در زمین به ناحق تکبر ورزیدند و گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟ آیا نمی‌دانستند که خداوندی که آنان را آفریده، از آنان نیرومندتر است؟ و آنان همواره آیات ما را انکار می‌کردند.^۱ نتیجه این تکبر، نابودی آنان به وسیله یک باد سهمگین بود که زندگی آنان را نابود کرد.

۱۰- سامری:

سامری یکی از افراد بنی اسرائیل بود که به دلیل تکبر و نافرمانی، گوساله‌ای طلایی ساخت و مردم را به پرستش آن فراخواند. این کار سامری باعث شد که بسیاری از بنی اسرائیل به گمراهی بیفتند. در سوره طه، آیات ۹۵-۹۶، موسی (ع) به سامری گفت: «قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ * قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي»؛ گفت: ای سامری، چه چیزی تو را وادار به این کار کرد؟ گفت: من چیزی دیدم که آنان ندیدند، پس از اثر رسول (فرشته) قبضه‌ای برداشتم و آن را افکندم و نفس من این کار را برایم زیبا جلوه داد. نتیجه این تکبر و نافرمانی، تبعید و عذاب الهی برای سامری بود.

۱۱- بلعم باعورا:

بلعم باعورا یکی از علمای بنی اسرائیل بود که به دلیل تکبر و خودبینی، از راه حق منحرف شد و به دشمنان پیامبر خدا پیوست. او با سوءاستفاده از علم خود، سعی کرد بنی اسرائیل را به گمراهی بکشاند. در سوره اعراف، آیه ۱۷۵-۱۷۶ آمده است: «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ * وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ

۱- سوره فصلت، آیه ۱۵



إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتَرَكَّهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مِثْلُ النُّعْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و بر آنان بخوان سرگذشت کسی که آیات خود را به او دادیم ولی او از آن جدا شد و شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد. و اگر می خواستیم، او را با آن (آیات) بلند می کردیم، ولی او به زمین (دنیا) متمایل شد و هوای نفس خود را پیروی کرد. پس مثل او همچون سگ است که اگر به او حمله کنی زبان از کام برآورد و اگر رهایش کنی زبان از کام برآورد. این مثل آن قومی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان ها را بگو شاید که آنان بیندیشند.^۱

۱۲- یهودیان معاصر پیامبر:

برخی از یهودیان معاصر پیامبر اسلام (ص) نیز به دلیل تکبر و حسادت، از پذیرش پیامبر اکرم (ص) سر باز زدند و به دشمنی با او پرداختند. آنان با اینکه نشانه های نبوت پیامبر را می شناختند، به دلیل تکبر و حفظ منافع خود، از ایمان آوردن به او خودداری کردند. در سوره بقره، آیه ۸۹ آمده است: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ و چون کتابی از جانب خدا به سوی آنان آمد که تصدیق کننده چیزی بود که با آنان است، و حال آنکه پیش از این بر کسانی که کافر بودند، طلب پیروزی می کردند، پس چون چیزی که شناختند به آنان آمد، به آن کافر شدند. پس لعنت خدا بر کافران باد.

این آیات الهی نشان می دهند که تنها با فروتنی و پذیرش هدایت الهی می توان به سعادت و نجات دست یافت.

۱۳- قوم هود:

افراد قوم هود نیز به دلیل تکبر و عدم پذیرش پیامبر خود، هود (ع)، از هدایت الهی منحرف شدند و در نهایت به هلاکت رسیدند. آن ها به ادعاهای پیامبرشان و هشدارهای او پاسخ ندادند و به بی خردی و تکبر خود ادامه دادند. «قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ* إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ* مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظَرُونَ». گفتند: ای هود! تو با دلیل و برهانی نیامدی و ما هیچگاه از گفته های تو خودداری نکنیم، و ما اعتقادی به تو نداریم. تنها بخاطر این است که برخی از آلهای ما به سوی بدی آسیب دیده اند. گفت: من به خدا شهادت می دهم، و شما نیز شهادت دهید که من از آنچه شما با آن خدا را شریک می گیرید، بڑاستی نبرده ام. به جز او، برایم تدبیر کنید و من را توانا نگاه می دارید.^۲ این

۱- سوره اعراف، آیه ۱۷۵-۱۷۶

۲- سوره هود، آیات ۵۳-۵۵



تکبر و نافرمانی به پیامبر، باعث نابودی قوم هود شد.

این نمونه‌های بیشتر از تکبر و نافرمانی در قرآن، عواقب وخیمی را که این ویژگی‌ها برای انسان‌ها به همراه دارند، نشان می‌دهند. قرآن با بیان این داستان‌ها، انسان را به تواضع و فروتنی دعوت می‌کند و پذیرش هدایت الهی را توصیه می‌نماید. همچنین، به وضوح از تکبر و خودبینی هشدار می‌دهد و نشان می‌دهد که این صفات منفی چگونه می‌توانند انسان را از رحمت و هدایت خداوند دور سازند. با ارائه نمونه‌های تاریخی و آموزه‌های اخلاقی، قرآن به انسان‌ها یادآوری می‌کند که تکبر و غرور راهی به سوی گمراهی و نابودی است و تنها با فروتنی و پذیرش حقیقت الهی می‌توان به راه راست هدایت و نزدیکی به خداوند دست یافت.

نتیجه‌گیری:

قرآن کریم با تأکید بر مضرات تکبر و خودبزرگ‌بینی، به روشنی نشان می‌دهد که این صفات منفی می‌توانند موانع جدی در مسیر ارتباط معنوی انسان با خداوند ایجاد کنند. تکبر، به معنای نپذیرفتن حقایق الهی و خودبینی مفرط، انسان را از هدایت و رحمت الهی محروم می‌سازد. داستان نمرود و حضرت ابراهیم (ع) نمونه‌ای بارز از این موضوع است که در آن نمرود به دلیل تکبر، دعوت حضرت ابراهیم را نمی‌پذیرد و به هلاکت می‌رسد.

قرآن با بیان این داستان‌ها و آیات متعدد، انسان‌ها را به فروتنی و تواضع دعوت می‌کند. تواضع و فروتنی به عنوان صفات مثبت اخلاقی، انسان را به پذیرش هدایت الهی و تقویت ارتباط معنوی با خداوند ترغیب می‌کنند. در مقابل، تکبر و خودبینی انسان را به سوی گمراهی و نابودی سوق می‌دهند.

در نهایت، قرآن کریم با هشدار نسبت به پیامدهای منفی تکبر و ترویج تواضع، به انسان‌ها راهنمایی می‌کند که چگونه می‌توانند به هدایت الهی دست یابند و ارتباط معنوی عمیق‌تری با خداوند برقرار کنند. ترویج تواضع و فروتنی می‌تواند به تقویت این ارتباط کمک کرده و از پیامدهای منفی تکبر جلوگیری کند. این آموزه‌های قرآنی نه تنها به بهبود زندگی معنوی انسان کمک می‌کند، بلکه موجب ارتقای اخلاق و رفتار نیکو در تعاملات اجتماعی و فردی می‌شود.